



اقتباس و تضمین آیات قرآن در تاریخ جهانگشای جوینی

مریم محمودی*

چکیده

یکی از رایج‌ترین شیوه‌های بهره‌گیری از آیات قرآن در نثر نویسندگان، اقتباس و تضمین است. تاریخ جهانگشای جوینی که یکی از برجسته‌ترین متون نگارش‌یافته به نثر فنی است از این شیوه بسیار بهره برده است. در این مقاله ضمن اشاره به تضمین و اقتباس و اغراض آن در تاریخ جهانگشا انواع آن را نیز از نظرگاه‌های متفاوت بررسی می‌کنیم. یکی از مواردی که در این نوشته مورد توجه قرار گرفته جایگاه دستوری آیات قرآن در جملات است. از این منظر آیات قرآن به عنوان رکن تکمیل‌کننده جمله از جهت دستوری گاه نقش مفعول، مضاف‌الیه، صفت، مسند و مانند آن را ایفا می‌کنند. در این اثر، نویسنده به گونه‌ای هنرمندانه از آیات قرآن از سویی برای غنای معنایی و از سوی دیگر به منظور زیباسازی فضای کلام و نمایاندن هنر نویسندگی استفاده کرده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، اقتباس، تضمین، تاریخ جهانگشا، نثر فنی

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهقان



مقدمه

عطا ملک جوینی از نویسندگان و مورخان قرن هفتم هجری است که مدت‌ها در خدمت امیر ارغون، حاکم مغول در ایران به خدمات دیوانی اشتغال داشت «گویا دبیر مخصوص او بود و به همین سبب در سفرهایی که امیر ارغون به قراقورم، پایتخت مغولستان می‌کرد همراه او بود و در این سفرها اطلاعات فراوان دربارهٔ مغولان و تاریخ چنگیز و جانشینان وی فراهم کرد و همان اطلاعات موثق است که مطالب اساسی کتاب معروف او *جهانگشای* را تشکیل داده است» (صفا، ۱۳۶۳، ج ۳: ص ۱۲۱۱). اثر ماندگار جوینی، *تاریخ جهانگشا* در سه مجلد به شرح حکومت مغول از چنگیز به بعد تا لشکرکشی هولاکو به ایران و فتح قلاع اسماعیلیه و سلسلهٔ خوارزمشاهیان و قراختائیان و اسماعیلیهٔ صباحیه اختصاص دارد.

این کتاب از حیث انتقال مطالب و فصاحت و بلاغت نمونهٔ اعلاّی نثر فارسی و کاملاً منطبق بر شیوهٔ نثر فنی است. این سبک مشتمل است بر «ایراد صنایع مختلف لفظی و آرایش‌های معنوی و اطناب سخن از راه توصیفات دور و دراز و آوردن امثال و اشعار و شواهد گوناگون از تازی و پارسی و به کار بردن اصطلاحات علمی و امثال آنها» (همان، ج ۲: ص ۸۸۷). در این شیوهٔ نثر که از نظر سیر تاریخی بعد از نثر مرسل به وجود آمده توجه اصلی نویسنده به آرایش کلام است و او «می‌کوشد معنی و مقصود خود را در جامهٔ تشبیه‌ها، استعاره‌ها و کنایه‌های گوناگون و الفاظ و ترکیبات زیبا بپوشاند و برای آراستن کلام از آیه‌های قرآن و اخبار و احادیث و شعر و امثال و حکم بهره‌گیرد و افراط در به کار بردن همهٔ اینها علاوه بر به وجود آوردن اطناب باعث می‌شود که جمله‌ها از سیاق طبیعی دور شوند و معنی و مفهوم آنها در میان الفاظ پیاپی و مترادف و متجانس و سجع و آرایش‌های لفظی گم شود» (رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۱۴۷). در *تاریخ جهانگشا* «موازنه و سجع و تجنیس و اشتقاق و استدلالات از قرآن و حدیث و شواهد و امثال از شعر فارسی و تازی و تحلیل شعر و تلمیح از آیات قرآن» (بهار، ۱۳۷۰، ج ۳: ص ۵۳) دیده می‌شود.

به عبارت دیگر، عطا ملک جوینی که در خاندان مترسلان و مستوفیان بالیده بود به روش آنان کتاب خود را مترسلانه نوشت اما به شیوهٔ نویسندگان متصنع عصر خود نیز در



عین توجه به زیبایی سخن و اصالت یعنی جانب صنعت و علاقه به تزیین کلام را نیز رها نکرد. «وی در مطاوی سخن به آوردن آیات و احادیث و استناد و یا تمثیل به آنها و ذکر اشعار عربی و فارسی توجه دارد. با این اوصاف کتاب جهانگشا علاوه بر آنکه در زمره بهترین آثار تاریخی فارسی است از جمله کتب درجه اول ادب فارسی نیز شمرده می‌شود» (همان: ۱۲۱۳).

قرن هفتم در تاریخ ادبیات ایران دوره بالندگی و شکوفایی زبان و نثر فارسی به شمار می‌آید. از مدتها قبل قرآن محور و مبنای دانش‌آموزی و علم‌اندوزی قرار گرفته بود؛ از سویی صورت و لفظ قرآن و از سوی دیگر باطن و معنای آن الهام‌بخش و زمینه‌ساز اندیشه‌های بارور و اذهان خلاق شده بود. پس از آنکه اسلام به منظور جهانی شدن خود مرزهای شبه‌جزیره عربستان را درنوردید، ایران جزو اولین کشورهایی بود که مورد توجه قرار گرفت. ظهور اسلام مقارن با حکومت ساسانیان در ایران بود؛ حکومتی که در اواخر حیات خود از اعمال هر گونه ظلم و ستم و نابرابری در حق مردم خودداری نمی‌کرد، درحالی‌که در این زمان ندای آسمانی دین مبین اسلام به گوش ایرانیان ناراضی از حکومت ساسانی می‌رسید که «ان اکرمکم عندالله اتقیکم».

پس از جنگ‌های بزرگ قادسیه در سال ۱۴ و جلولاء در سال ۱۶ هجری سرانجام در جنگ نهاوند، معروف به فتح‌الفتوح در سال ۲۱ هجری به سرداری نعمان بن فیروز دروازه‌های ایران به روی فاتحان عرب گشوده شد و این‌گونه بود که اسلام مستقیماً وارد ایران شد و البته طبقه زحمتکش و پایین جامعه ایران گروهی بودند که با آغوش باز آن را پذیرفتند.

بعد از ورود اسلام به ایران آمیزش عمیقی بین مبانی و اصول دین اسلام و فرهنگ و سنن و آداب ایرانی حاصل شد، بنابراین فرهنگ ایران پس از اسلام دیگر فرهنگی ایرانی نیست بلکه فرهنگی ایرانی - اسلامی است. از مهم‌ترین جلوه‌های تأثیر فرهنگ اسلامی بر فرهنگ ایرانی قرائت قرآن و به کار بستن اوامر و نواهی آن است.

قرآن به عنوان کتاب آسمانی مسلمانان از همان بدو ورود اسلام به ایران مورد توجه و





اقبال ایرانیان قرار گرفت. نظری به اولین تفاسیر و ترجمه‌های قرآن این ادعا را ثابت می‌کند. هرچه اسلام در ایران پایدارتر و بر تعداد گروندگان به آن افزوده می‌شد، به همان نسبت توجه به قرآن و مبانی آن در بین ایرانیان گسترش می‌یافت.

از آنجا که ادبیات هر ملت جلوه‌گاه اندیشه و تفکر آن ملت است؛ تفکر ایرانی نیز که در این زمان در ادبیات منشور و منظوم ایران جلوه‌گر می‌شد آمیختگی نسبی با قرآن و مفاهیم آن پیدا کرده بود. «قرائت قرآن مجید و حفظ آن به‌ویژه در اوایل اسلام از نخستین واجبات مسلمانان بوده است و اوامر و نواهی آن در دل‌هایشان نقش بسته بود و آیات آن بر زبان گویندگان و خاصه نویسندگان جاری بود و در هر کاری از دین، شرع، لغت و انشا گرفته تا تهذیب اخلاق و تدبیر منزل و سیاست و تدبیر مملکت مرجعیت یافته بود. خطیبان و نویسندگان اسلوب آن را در خطابه‌ها و نوشته‌های خود اقتباس می‌کردند و در مؤلفات خود به آیات آن تمثیل می‌جستند و آداب و تعالیم آن در اخلاق و اطوار ایشان آشکار گشته بود...» (حلبی، ۱۳۷۷: ۱۲).

شاید یکی از دلایل عمده رواج زبان عربی در بین ایرانیان و تأثیر آن در لهجه‌های ایرانی همین توجه و اهمیت دادن به قرآن باشد؛ «قرآنی که هم از دیدگاه بلاغی و هنری، اوجی چنان دسترس‌ناپذیر داشت که دل از همگان به‌ویژه سخن‌شناسان و ادب‌ورزان و ذوقمندان می‌ربود و آنها را شیفته و بهت‌زده می‌ساخت و هم از معارف و معانی و مبانی و احکامی چنان دلپذیر سرشار بود که بر جان و دل‌ها می‌نشست و اندیشه و عاطفه را سیراب می‌کرد، افزون بر این معجزه پیامبر نیز بود و خود آشکارا همگان را به مبارزه و تحدی فرا خوانده بود. باطنی ژرف و شگرف و توی در توی نیز داشت» (راستگو، ۱۳۷۶: ۴). بنابراین قرآن و تأمل در آن علاوه بر اینکه زمینه‌ساز شکوفایی بسیاری از علوم و دانش‌های قرآنی از جمله صرف و نحو، تفسیر و تأویل و مانند آن شد، همچون آذین و زینتی بر صفحه نوشته‌ها و سروده‌ها درخشید و مورد توجه قرار گرفت.

شیوه‌ها و گونه‌های اثرپذیری از قرآن بسیار متنوع و مختلف است؛ گاه پوشیده و پنهان و گاه آشکار و عیان، گاه به شکل اشاره، تلمیح، تضمین، تحلیل و تمثیل یا به روش اثرپذیری





واژگانی، گزاره‌ای، گزارشی، الهامی_بنیادی، تلمیحی، تطبیقی، تصویری یا ساختاری_سبکی (همان). تضمین و اقتباس از شیوه‌های رایج تأثیرپذیری از قرآن است. البته برخی تضمین و اقتباس را دو صورت متفاوت تأثیرپذیری از قرآن می‌دانند (حلی، ۱۳۷۷: ۵۰ و ۶۱) اما در بسیاری از کتاب‌ها، اقتباس و تضمین به روشی اطلاق می‌شود که نویسنده عبارت قرآنی را با همان ساختار اصلی و گاه با اندکی تغییر در سخن خود قرار می‌دهد و در این امر اهدافی را دنبال می‌کند از جمله «تبرک و تیمن، تبیین و توضیح، تحلیل و توجیه، تشبیه و تمثیل، تحذیر و تحریض، تزیین و تجمیل، استشهاد و استناد، نکته‌پردازی، فضل‌فروشی، هنرنمایی و جز آن» (راستگو، ۱۳۷۶: ۳۰).

آنچه در این مجال به آن می‌پردازیم بررسی تضمین و اقتباس آیات قرآنی و چگونگی و اغراض آن در تاریخ جهانگشای جوینی است.

تضمین و اقتباس آیات قرآن در تاریخ جهانگشا

به طور کلی در این کتاب ارزشمند هم به دلیل سبک و سیاق نثر که فنی و مصنوع است و هم به دلیل احاطه عمیق نویسنده به معارف قرآنی، آیات قرآن خوش درخشیده است. تضمین و اقتباس به عنوان یکی از شیوه‌های تأثیرپذیری از قرآن به دو شکل کلی در این کتاب دیده می‌شود:

۱. گاهی آیه قرآن به دنبال جمله می‌آید و در ضمن آن قرار نمی‌گیرد. در این موارد آیه از اجزای تشکیل‌دهنده جمله نیست. مثلاً در جمله زیر نویسنده آیه قرآن را پس از جمله کامل خود آورده و قطعاً به این ترتیب قصد داشته است کلامش را با استفاده از کلام خدا مستند کند.

و آنچه از وقایع واقع شود از تخریب بلاد و تفریق عباد و از نکبت اختیار و استیلای اشار حکمتها در ضمن آن مدرج باشد، قال الله تعالی عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم (ج: ۱، ص: ۸).

در جمله زیر نیز به قصد استناد و استشهاد آیه قرآن را تضمین کرده است:

در هر دوری و قرنی بندگان را بطر نعمت و نخوت ثروت... بر اقدام بر معاصی باعث و





معرض می‌گشته، کلا ان الانسان لیطغی ان راه استغنی (ج: ۱ ص: ۱۲).
در مثال زیر آیه قرآن به قصد تعلیل و توجیه تضمین شده است:
اسیر امیر و امیر اسیر شده و کان ذلک علی الله یسیرا (ج: ۱ ص: ۱۵).
گاهی نیز هدف تضمین، تبیین و توضیح است:

... این قدر می‌نوشته‌اند که اگر ایل و منقاد نشوند ما آن را چه دانیم خدای قدیم داند و چون در این معنی تدبری افتد سخن متوکلاست قال الله تعالی و من یتوکل علی الله فهو حسبه (ج: ۱ ص: ۱۸).

جوینی آنجا که مخاطبانش را از رویارویی با قوم مغول باز می‌دارد، می‌گوید آنان که به توصیه خدا و رسولش عمل می‌کنند با آنان که از در صلح وارد می‌شوند صلح و آشتی می‌کنند و می‌نویسد:

... و نفس و مال را در حصن عصمت و پناه امان آرند و الله یهدی من یشاء الی صراط المستقیم... (ج: ۱ ص: ۱۱).

بی‌شک غرض تضمین این آیه استشهاد و تحذیر است.

در مواردی نیز نویسندگان آیه قرآن را در ادامه جمله فارسی آورده و مفهوم جمله خود را با آیه مذکور کامل می‌کنند، در عین حال که هر دو جمله از نظر دستوری کامل است:
و بعد از آن تمام آن جماعت را در حضور یکدیگر گذاشتند... و در مخالفت و اتفاق ایشان سؤال کردند، قالوا الیس هذا بالحق قالوا بلی و ربنا قالوا فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون (ج: ۱ ص: ۳۷).

آیه تضمین شده آیه ۳۰ از سوره انعام است که اصل آن چنین است: «قال الیس هذا بالحق قالوا بلی...» و نویسندگان برای آنکه با سیاق جمله متناسب باشد فعل را به صورت قالوا تغییر داده است. بنابراین مشخص است که نویسندگان سؤال و جواب دو گروه را در قالب آیه تضمین شده مطرح کرده است.

۲. گاهی نیز آیه تضمین شده بخشی از جمله و به عبارت دیگر از اجزای تشکیل دهنده آن است. به این ترتیب آیه قرآن با نقش‌های زیر در جمله مشخص می‌شود:

مضاف الیه

بر قضیت حکم ربانی و ان جنحوا للسلیم و فاجنح لها برونند... (ج: ۱ ص: ۱۱).
اگر تهدید سیف در توقف ماندی... بعضی از منافع و انزلنا الحدید فیه باس شدید و منافع





للناس باطل گشتی (ج: ۱ ص: ۱۲).

هرچند نقش مضاف‌الیه در بیشتر موارد تبیین و توضیح است اما نویسنده علاوه بر این قصد هنرنمایی و تفنن نیز داشته است.

صفت

که چون انوار هدی در دل حجری صفت فهی کالجباره او اشد قسوه تأثیر نمودست... (ج: ۱ ص: ۱۰).

فرعونی ذواتاد و عادی به ابداع عدوی و فساد در بلاد و عباد... (ج: ۲ ص: ۵۹).

متمم

درهای داد و انصاف که به واسطه و انزلنا الكتاب و المیزان مفتوح و گشاده است معلق ماندی... (ج: ۱ ص: ۱۳).

گاهی جملات استثنا‌ی قرآنی برای کامل کردن جملات فارسی استفاده شده‌اند که در این موارد نیز در جایگاه متمم قرار می‌گیرند:

وسوسه شیطانی ایشان را از راه سداد و جاده رشاد دور انداخت... الا الذین امنوا و عملوا الصالحات و قلیل ما هم (ج: ۱ ص: ۱۳).

اکثر ایشان روی بدو آوردند از خاص و عام الا من اتی بقلب سلیم (ج: ۱ ص: ۸۶).

مفعول

آنچه لایق افتد و در چشم رایق آید امساک بمعروف بر ایشان خوانند و بر بقایا تسریح باحسان (ج: ۱ ص: ۲۴).

میان ایشان در این معنی سخن می‌رفت ناگاه هانفی آواز داد که قضی الامر الذی فیه تستفتیان (ج: ۱ ص: ۱۸۸).

مسند

اهالی شهر پنداشتند مگر کاری کردند و ندانستند که سیعلمن نباه بعد حین خواهد بود (ج: ۱ ص: ۱۳۸).

گویی ستونهای آن صدساله درخت ناژ بود اما یار آن طلعه‌ها کانهارووس الشیاطین (ج: ۳ ص: ۱۳۱).

قید

در بیدای حیرت سرگشته شدند و خسر دنیا و الاخره در اباحت افتادند (ج: ۳ ص: ۲۳۸).
دیگران برین جملت نوبت نوبت روان می‌شدند یحملون اوزارهم علی ظهورهم الاساء مایزرون (ج: ۱ ص: ۵۰).





بدل

هیچ چاره نبود فرار انبیا بر فریضه خدا و جاهدوا فی سبیل الله باموالکم و انفسکم تقدیم کرد (ج ۲: ص ۱۵۸).

معطوف

لباس از استبرق و حریر و اطعمه و فواکه و لحم طیر مما یشتهون و فاکهه مما یتخیرون و اشربه مختوم ختامه مسک (ج ۱: ص ۱۴).
لشکر ختای را دیدند چون رمه گوسفند... از برودت هوا و افراط سرما گروه گروه شدند و چون قنافظ در پای در هم کشیده و سلاحها یخ گرفته فتری القوم صرعی کانهم اعجاز نخل خاویه (ج ۱: ص ۱۵۳).

گاهی آیه قرآن بعد از «که» موصولی قرار می گیرد و جمله پیرو است:

تصادم رعد به حدیست که وقت نعره آن یجعلون اصابهم فی اذانهم من الصواعق حذر الموت و بریق و برق به غایتی که یکاد البرق یخطف ابصارهم (ج ۱: ص ۱۶۱).

گاهی نیز آیه تضمین شده جمله پایه است:

... زینک و بد انیشده کوتاه کرد لیقضی الله امرأ کان مفعولا (ج ۲: ص ۵۶).

اگر ناگاه به لشکری احتیاج افتد حکم کنند که چندین هزار باید فلان ساعت آن روز شب به فلان موضع حاضر آیند لایستاخرون ساعه و لا یستقدمون (ج ۱: ص ۲۳).

به نظر می رسد که استفاده از آیه مزبور در جمله بالا خالی از کنایه و تعریضی نباشد و نویسندگان عدم تقدیم و تأخیر را که در اصل آیه برای اجل (زمان مرگ) گفته شده برای لشکر مغول آورده است.

از منظری دیگر می توان انواع اقتباس و تضمین را در تاریخ جهانگشا به دو دسته تقسیم کرد:

۱. از جهت کیفیت ارتباط لفظی

الف. هنگامی که آیه قرآن بدون فاصله در ادامه عبارت فارسی قرار می گیرد: این نوع

اقتباس و تضمین را دشوارترین اقسام آن گفته اند (خطیبی، ۱۳۷۵: ۲۰۱).

و هر یک از طرف نشینان که آوازه او می شنید از خوف صولت و بیم سطوت او ینبغی نفقا فی الارض او سلما فی السماء (ج ۱: ص ۲۱۲).



ب. پیوستن آیه به نثر فارسی همراه «که» موصول
فرمان ربانی را که و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکه امام و مقتدا سازند (ج ۱: ص ۱۱).

پ. پیوستن آیه به عبارت فارسی در شکل ترکیب اضافی
قومی از آن جمله که حکم استحوذ علیهم الشیطان داشتند خواستند تا او را تعرضی و
مکروهی رسانند... (ج ۱: ص ۷۶).

ت. نقل آیه قرآن که به صورت مجزا و منفک از عبارت فارسی است:
چون دور ششصد و اند رسید از مبعث او... کثرت مال و فسحت آمال سبب طغیان و
اختزال شد ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیرو ما بانفسهم (ج ۱: ص ۱۳).
در بین اقسام چهارگانه مذکور تنها این مورد است که اگر آیه یا حدیث را از رشته عبارت
جدا کنیم پیوند معانی نخواهد شد (خطیبی، ۱۳۷۵: ۲۰۲).

۲. از جهت کیفیت ارتباط معنوی آیات با عبارت فارسی

الف. به طریق تقسیم و تکمیل: در این روش آیه قرآن نه فقط از نظر لفظی بلکه از نظر

معنایی نیز با اتساق و اتصال کامل به دنبال عبارت فارسی آورده می‌شود:

بفرمود تا آن جماعت را حاضر آورند از مطالبه آن قوم زلزلت الارض زلزالها و استخراج
مدفونات از نقوذ و تجملات گفتی اخرجت الارض ائقالها (ج ۱: ص ۱۲۶).

ب. کاربرد آیه به طریق تشبیه و تمثیل:

چون سلطان مزور سر خیل سپاه و لشکر خمار مست شراب ادبار کما قال الله تعالی
لعمرك انهم لفی سكرتهم یعمهون نکات ایشان مشاهده کرد... (ج ۱: ص ۹۹).

پ. کاربرد آیه به طریق توصیف یا تشریح معنی قبل:

جان چنان پژمرده که پنداشتی آیت و بدلناهم بجنتم جنتین در شأن آن منزل بود
(ج ۱: ص ۱۰۱).

لازم به ذکر است که روش تقسیم و تکمیل و توصیف آیه قرآن بیشتر در متن عبارت و

روش تأکید و تأیید بیشتر در انتهای عبارت به کار می‌رود.

نتیجه‌گیری

بنابراین گذشته می‌توان دریافت که در تاریخ جهانگشا مانند دیگر متون نگارش یافته به





نثر فنی، نویسنده در تمسک به آیات قرآن مقاصد خاصی می‌طلبد؛ از سویی قطعاً به تیمن و تبرک نوشته خود با آیات قرآن بی‌توجه نیست و از سویی دیگر به تناسب لفظی و آرایش کلام و نیز وسعت بخشیدن به دایره اغراض و معانی با استفاده از آیات قرآن عنایت خاص دارد. به همین دلیل در تضمین و اقتباس که از رایج‌ترین شیوه‌های بهره‌گیری از آیات قرآن است او با مهارتی بی‌نظیر نهایت استادی و تبحر خود را به کار برده تا نثرش از گونه‌های متنوع و متعدد از قرآن بهره‌مند شود. نکته درخور توجه آن است که لطف خیال، دقت تعبیر، باریک‌اندیشی و مبالغه سبب شده است که گاهی نویسنده، آیه قرآن را آن‌چنان که خود می‌خواهد در متن جمله قرار دهد و حتی در مواردی در بخش یا کلمه‌ای از آن دخل و تصرف کند.

کتابنامه

قرآن کریم

- بهار، محمد تقی. ۱۳۷۰. سبک‌شناسی. تهران: امیرکبیر
- جوینی، عطا ملک. تاریخ جهانگشا، تصحیح علامه قزوینی. تهران: بامداد
- حلبی، علی اصغر. ۱۳۷۷. تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی. تهران: اساطیر
- خطیبی، حسین. ۱۳۷۵. فن نثر. تهران: زوار
- راستگو، سید محمد. ۱۳۷۶. تجلی قرآن و حدیث در ادبیات فارسی. تهران: سمت
- رستگار فسایی، منصور. ۱۳۸۰. انواع نثر فارسی. تهران: سمت
- صفا، ذبیح الله. ۱۳۶۳. تاریخ ادبیات در ایران. تهران: فردوس